


شب هفتم
محرم الحرام ۱۴۳۵

هیئت دل





یک لحظه درنگ کن و از حرکت بایست - تنها فکر کن!

ببین کجایی! یک نگاه گذرا به گذشته و نیم نگاهی هم به آینده، تو را کمک خواهد کرد تا ببینی الان کجا هستی؛ از کجا شروع کرده ای و در چه مسیری بوده ای! از کجاها رد شده ای، در چه راهی قرار گرفته ای و به کجا می روی...
خسته نشو!! فکر کن...

فکر کن ببین داری به کجا می روی. ببین آیا مسیری که برگزیده ای تو را به آن چه می خواهی نزدیک تر می سازد؟ اصلا ببین چه می خواهی! فقط می خواهی بروی یا این که چه طور رفتن و ... هم برایت مهم است؟ ...
هر کجا که هستی و در هر لحظه ای که باشی می توانی مسیرت را عوض کنی...

اما یادت باشد با توکل به خدا به راحت ادامه بده و یا آن را تغییر بده؛ چون تنها اوست که بهتر از تو و دیگران صلاح تو را می داند و هم اوست که می تواند بهترین راهنمای تو برای بهترین راه ها باشد.

دستهای کوچیکه... آخه شش ماهه...

اما با اون دستهای کوچکش گره های بزرگی باز میکنه

می گن اگر روت همیشه پیش صاحب خونه بری

دوتا کودک هستند یکی سه ساله و یکی شش ماهه...

می گن بچه دلش کوچیکه...

بابا هم نمیخواد پیش فرزندش شرمنده بشه...

خدا هم صاحب خونه رو خیلی می خواد...

چون صاحب خونه همه چیزشو برای خدا

کف دست گذاشته...



اکبرم رفت و سپس اشک به چشمم خشکید
ای خدا اشک بده تا بچکانم دهنش

تیر تو پیکر عباس به آن روز انداخت
اینکه اندازه ی تیر است تمام بدنش

پیر شد کودک شش ماهه ام از درد عطش
همه دیدند که قنذاقه ی او شد کفنش



هیئت متوسلین به حضرت قاسم بن الحسن علیهما السلام

دیرستان هیئت امنای امام موسی صدر (متوسطه اول) - قم العقدسه